



گزارش تحقیقی

# اینترنت به عنوان حق: از مطالبه فردی تا مسئله اجتماعی؛ واکاوی تجربه زیسته کاربران ایرانی از قطع اینترنت

۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ مرگس نرگس کشاورز نیا

دسترس‌پذیری

- ۱۰۰% +

اندازه متن

مطالب مرتبط

از اینترنت باز تا حاکمیت اینترنتی: ایران در آستانه عصر تازه‌ای از سرکوب دیجیتال

۱

این گزارش بر پایه تحلیل ۲۰ مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ۱۶ بزرگسال و ۴ نوجوان از شهرهای مختلف ایران تهیه شده است. شرکت‌کنندگان در این پژوهش طیف متنوعی از مشاغل و موقعیت‌های اجتماعی از دانش‌آموز و خانه‌دار تا برنامه‌نویس، تریدر و فریلنسر را دربرمی‌گیرند اما با وجود تفاوت‌های سنی و شغلی، همگی در بستری از تجربه‌ها و آسیب‌های مشترک ناشی از قطع اینترنت بین‌الملل زندگی می‌کنند: بستری که در آن هزینه‌های نجومی برای خرید فیلترشکن‌ها و کانفیگ‌های ناپایدار به آن‌ها تحمیل شده است، مجبور به کوچ اجباری به پلتفرم‌های داخلی شده‌اند و همگی در استیصال و نگرانی عمیق نسبت به آینده اینترنت در ایران و گسترش سناریوی «اینترنت طبقاتی» به سر می‌برند.

یکی از یافته‌های کلیدی این پژوهش، شکل‌گیری نوعی «شکاف وجودی» میان کاربران اینترنت در ایران است؛ شکاف میان چیزی که می‌خواهند و حق طبیعی آن‌هاست، یعنی دسترسی آزاد و برابر به اینترنت و چیزی که در عمل با آن روبه‌رو شده‌اند؛ که ترکیبی است از خرید VPN‌های گران و دردسرساز، یا استفاده از سرویس‌های داخلی بر بستر اینترنت همراه با ترکیبی از احساس خشم، تحقیر و شرم. با این حال، در دل همین وضعیت پیچیده، نوعی مقاومت هم دیده می‌شود؛ مقاومتی از جنس پایبندی اخلاقی برای تن ندادن به اینترنت طبقاتی و ایستادن در برابر سازگاری دائمی با شرایط فعلی.

نتایج گفت‌وگو با نوجوانان، لایه‌های دیگری هم دارد. سبب کاربری اینترنت برای نوجوانان متفاوت از بزرگسالان است اما نباید آن‌ها را کم‌اهمیت شمرد زیرا برای این نسل، اینترنت بستری برای شکل‌گیری هویت، سبک و سلیقه زندگی، ابزار یادگیری و همچنین ترسیم آینده شغلی است. دسترسی نداشتن به یوتیوب، تیک‌تاک و پینترست برای آن‌ها یعنی از دست رفتن «فضای الهام و یادگیری»، خلأیی که جایگزین داخلی مؤثری هم ندارد. از سوی دیگر، تجربه خودسانسوری هنگام

۲ تکمیل شبکه ملی اطلاعات و سکوت در برابر سانسور؛ عمده‌ترین برنامه‌های کانفیدای وزارت ارتباطات

۳ آزمایشگاه امنیتی صندوق فناوری باز (OTF) دریافت که سه اپلیکیشن پیام‌رسان ایرانی ایمن نیستند

۴ دولت، مجلس و دیگر نهادها: ده‌ها طرح، مصوبه و لایحه علیه آزادی بیان

۵ گذار به «سیاه‌چاله ارتباطی»؛ بازآرایی امنیتی زیرساخت‌ها و پایان عصر اینترنت عمومی در ایران

۶ زیر آتش جنگ؛ ارتباطات محدودتر و نظارت گسترده‌تر

۷ سرکوبگران اینترنت؛ نگاهی به عملکرد دادستانی و پیمانکاران سرکوب

۸ شهروندان ایران زیر ذره‌بین دولت الکترونیک

استفاده از پیام‌رسان‌های داخلی و تجربه مداوم زیرنظر بودن، این هشدار را می‌دهد که ممکن است در ذهن نسل بعدی، مفهوم ارتباط آزاد کم‌کم جای خود را به ارتباط تحت نظر و همراه با ریسک بدهد. همچنین از منظر آموزش آنلاین، بستر آموزش به اکوسیستم محدودی از اپ‌های داخلی (شاد، ایتا، بله و اسکای روم) منتقل شده که ناپایدار و کند و ناکارآمد است.

در سطح کلان، این گزارش همچنین هشدار می‌دهد که اینترنت در ایران دیگر یک «امکان فناورانه» نیست و به یک «مسئله هویتی، اخلاقی و سیاسی» تبدیل شده است. تصمیم درباره خرید VPN، استفاده از استارلینک، عضویت در پیام‌رسان‌های داخلی یا تن دادن به اینترنت طبقاتی، هر کدام یک پرسش بنیادین را در ذهن کاربر ایجاد می‌کند: می‌خواهم در چه جامعه‌ای زندگی کنم و حاضرم چه هزینه‌ای برای آنچه می‌خواهم، بپردازم؟

## یافته‌های کلیدی در یک نگاه

- اکثر مصاحبه‌شوندگان قطع اینترنت بین‌الملل را یک «ظلم اجتماعی» و «تجاوز به حق طبیعی» توصیف می‌کنند.
- بازار VPN به شدت طبقاتی شده است: قیمت‌ها از گیگی ۱۵۰ هزار تومان تا گیگی ۳ میلیون تومان گزارش شده‌اند. تنها کسانی که درآمدشان کاملاً به اینترنت گره خورده همچنان حاضر به پرداخت هزینه‌های بالا برای وی‌پی‌ان هستند.
- گروه بزرگی از مردم، به ویژه افرادی با وابستگی‌های کمتر به فناوری‌های دیجیتال (اعم از وابستگی شغلی یا وابستگی سبک زندگی) مانند افراد میانسال و همچنین اقشار کم‌درآمد، قید اینترنت بین‌الملل را زده‌اند و به ماهواره، پیامک، تماس صوتی یا اپ‌های داخلی برای ارتباط و کسب اطلاعات یا سرگرمی، روی آورده‌اند.

- مصرف سرویس‌های داخلی (به‌ویژه «بله»، «ایتا»، «روبیکا»، «آپارات»، «ذره‌بین» و «گپ‌چی‌پی‌تی» که بارها در مصاحبه‌ها تکرار شده‌اند) عموماً «از سر اجبار» و با احساس خشم، شرم، تحقیر و سرخوردگی همراه است.
- نگاه کاربران به استارلینک دوگانه‌ای است از «فرصت طلایی» و «ریسک قضایی و اقتصادی». مفهوم خرید گروهی استارلینک به عنوان راهکاری جدی مطرح است اما کاهش اعتماد بین افراد و ترس از نظارت یا گزارش‌های مردمی مانع تحقق آن می‌شود.
- مهاجرت تقریباً در همه‌ی مصاحبه‌ها به عنوان یک گزینه‌ی پشت‌صحنه حضور دارد؛ اگرچه «صرفاً به خاطر اینترنت» نیست، اما اینترنت یکی از اصلی‌ترین کاتالیزورهای آن شناخته می‌شود.
- در برابر سناریوی «طبقاتی شدن اینترنت»، پاسخ‌ها از دو نوع هستند: مقاومت اخلاقی و تن‌ندادن به رانت، پذیرش از سر استیصال برای گذران زندگی و خصوصاً کسب درآمد.
- آسیب‌های روانی ناشی از قطع اینترنت مانند افسردگی، فرسودگی شغلی، احساس عقب‌افتادن از جهان نوین و انزوای خانوادگی، به اندازه‌ی آسیب‌های اقتصادی و چه بسا بیش از آن‌ها، در مصاحبه‌ها برجسته است.

## روش‌شناسی و مشخصات مصاحبه‌شوندگان

- داده‌های این گزارش بر اساس یک پرسشنامه پنج‌بخشی انجام شده است. هر بخش به یک محور مشخص از تجربه‌ی کاربری اینترنت در شرایط فعلی ایران اختصاص دارد:
- بخش اول: روش‌های دسترسی فعلی به اینترنت بین‌الملل و کارکردها و قابلیت‌هایی که از دست رفته‌اند.
  - بخش دوم: میزان هزینه‌ای که کاربران حاضر هستند برای دسترسی به اینترنت برای خرید وی‌پی‌ان بپردازند.

- بخش سوم: ترجیح بین خرید VPN گران یا استفاده از اپ‌های داخلی.
- بخش چهارم: نگاه به استارلینک، فرصت‌ها و ریسک‌ها.
- بخش پنجم: سازگاری با وضعیت موجود، چشم‌انداز آینده، واکنش به سناریوی «اینترنت طبقاتی».

## ترکیب جمعیتی

در بخش بزرگسالان، از ۱۶ مصاحبه‌شونده، ۹ نفر زن و ۷ نفر مرد بوده‌اند. دامنه‌ی سنی از ۲۳ تا ۵۲ سال است. توزیع جغرافیایی شامل تهران (۸ نفر)، کرج (۳ نفر)، مشهد، ارومیه، زنجان، کاشان، شیراز (هر کدام ۱ نفر) است. شغل‌ها بسیار متنوع‌اند و از اقشار کارمند، فریلنسر، تریدر، برنامه‌نویس، خانه‌دار، دانشجو، معلم زبان، اینستاگرامر، نویسنده تا کارمند سفارت را دربرمی‌گیرد. این تنوع شغلی به‌ویژه برای فهم اثر متفاوت قطعی اینترنت بر گروه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی اهمیت دارد.

در امتداد گزارش اصلی، چهار مصاحبه با نوجوانان ۱۱ تا ۱۷ ساله دانش‌آموز از شهرهای اصفهان و تهران نیز انجام شده است.

## ملاحظات روش‌شناختی

زبان نقل‌قول‌ها تا حد امکان دست‌نخورده باقی مانده تا بافت احساسی پاسخ‌ها از بین نرود. این گزارش با بررسی حرف‌ها و تجربه‌های مصاحبه‌شوندگان، تلاش کرده الگوها و موضوعات مشترک را شناسایی کند و در کنار آن، به تجربه‌های متفاوت و استثنایی هم توجه داشته باشد.

## بخش اول: روش‌های دسترسی و کاربردهایی که دیگر ماهیت خود را از دست دادند

### ۱-۱. تصویر کلی از روش‌های دسترسی

یک الگوی واضح در همه‌ی مصاحبه‌ها مشاهده می‌شود: دسترسی به اینترنت بین‌الملل به یک «امتیاز اقلیتی» تبدیل شده است. مصاحبه‌شوندگان عموماً اطرافیان خود را به سه گروه تقسیم می‌کنند:

- **گروه اول؛ اتصال حتی با هزینه‌ی بالا:** کسانی که برای کارشان به اینترنت نیاز جدی دارند (برنامه‌نویس‌ها، تریدرها، مدیران سوشال، فریلنسرهای بین‌المللی، صاحبان آنلاین‌شاپ‌ها). این گروه به ناچار کانفیگ‌های گران‌ازگیگی ۱ میلیون ۳ میلیون تومان خریده‌اند.
- **گروه دوم؛ جامانده‌ها:** افراد مسن، افرادی که وابستگی شغلی به اینترنت ندارند و قشر کم‌درآمد که توان مالی برای خرید وی‌پی‌ان‌های گران‌ندارند. این گروه به ماهواره، تماس‌های تلفنی، پیامک و اپ‌های داخلی برای ارتباطات و کسب اطلاعات روی آورده‌اند.
- **گروه سوم؛ کاربران اشتراکی:** گروه کوچکی که به‌صورت گروهی از یک اشتراک VPN (گاهی فرستاده‌شده توسط دوست/خویشاوند خارج از کشور) استفاده می‌کنند.

«اطرافیان مثل خانواده تقریباً هیچکس وی‌پی‌ان نداره چون خیلی گرون هست براشون و ترجیح می‌دن نداشته باشن و اخبار رو از طریق ماهواره دنبال می‌کنن. کسانی که وی‌پی‌ان دارن، کسانی هستن که برای کارشون استفاده می‌کنن.» (مریم، متاهل، ۲۸ ساله، کارمند، تهران)

«هرکی رو دیدم که وصل بوده وی‌پی‌ان خریده بوده، از گیگی ۶۰۰ هزار تومن تا یک میلیون تومن. خودمم به سختی وصل شدم بعد از چند روز بی‌اینترنتی اونم با قطعی‌های فراوان با همین قیمت که اکثر مواقع هم وصل نیست.» (سینا، متاهل، ۴۲ ساله، تریدر، تهران)

«کلا ۳ نفر رو از بین ۳۰ نفر اطرافم می‌شناسم و دیدم که به اینترنت بین‌الملل دسترسی داشتن.» (سینا، متاهل، ۴۲ ساله، تریدر، تهران)

## ۱-۲. کاربردهای کلیدی از دست‌رفته

قطع اینترنت بین‌الملل به یک سری حذف‌های زنجیره‌ای منجر شده که در تمام مصاحبه‌ها به اشکال گوناگون مطرح می‌شود. این حذف‌ها را می‌توان در پنج دسته خلاصه کرد:

### الف) کار و درآمد

شدیدترین آسیب در حوزه‌ی کار است. مصاحبه‌شوندگان نمونه‌های متعددی از اخراج، بیکار شدن، ورشکستگی و اختلال جدی در کار خود و دیگران ارائه می‌دهند: مدیران سوشال‌مدیا که «همه بیکار

شدن و تعدیل شدن»، تریدرهای کریپتو که «همه‌ی اوردرها را کنسل کردند»، فروشندگان اینستاگرامی که از مخاطبان داخلی خود محروم شدند، فریلنسرهای ریموت که از پروژه‌ی بین‌المللی بازماندند، یک معلم زبان آنلاین که کلاس‌هایش را به روم‌های داخلی منتقل کرد، یک سئوکار که سایت اصلی شرکتشان از دسترس خارج شده است، یک دوست بلاگر که مجبور به کار کارگری و حمل بار شده است و یک محقق علمی که نگارش مقالاتش متوقف شده است.

«متأسفانه تمام آدمایی که می‌شناختم که پروژه خارجی گرفته بودن از کار بیکار شدن.»  
(مهناز، متاهل، ۳۰ ساله، مدیرفروش صنف پوشاک، تهران)

«کل زندگی من از راه ترید توی بازار کریپتو می‌چرخید ... روی صرافی‌های خارجی ترید می‌کردم و امرار معاش زندگی‌م از این راه بود که مختل شده.» (سینا، متاهل، ۴۲ ساله، تریدر، تهران)

«یه بلاگر هم می‌شناسم که مثلاً از بس بیکار شده بوده که رفته بوده توی کار کارگری و حمل بار چون بیکار و بی‌پول شده بوده.» (مهسا، ۳۹ ساله، فریلنسر، اینستاگرامر، شیراز)

## ب) ابزارهای کاری روزمره

مصاحبه‌شوندگان فهرست بلندی از سرویس‌هایی که عملاً عدم دسترسی به آن‌ها کاربری حرفه‌ای‌شان را نابود کرده است، ارائه می‌کنند: گوگل درایو، اوت‌لوک (ایمیل)، مایکروسافت تیمز،

فیگما، فری‌پیک، چت‌جی‌پی‌تی، اسپاتیفای، کست‌باکس، ترلو، بوکینگ، My Fitness، اپ معاملاتی «چند» و سایت‌های طراحی. نکته‌ی مهم این‌که حتی برای کاربرانی که VPN دارند، قطعی‌های مکرر باعث شده عملاً کار با این ابزارها قابل اتکا نباشد.

«صاحب‌کارم برای من ۱۰۰ گیگ فضا در گوگل درایو گرفته که فعلاً رفته رو هوا. اکانت اسپاتیفای گرفته بودم که اونم هیچ شد. حالا برای انتقال گزارش‌هام به صاحب‌کارم فیلترشکن گرون خریدم که توی تلگرام بارگذاری کنم. هرچند هنوز هم فایل‌ها رو نتونستم منتقل کنم به صاحب‌کارم.» (میلاد، متاهل، ۳۵ ساله، مهندس مکانیک و کارمند ریموت با استرالیا، مشهد)

«یه لیست ذهنی درست کردم که نت وصل شد برم سراغشون و کارهام رو انجام بدم، چون اصلاً جایگزین داخلی ندارن چیزایی مثل فیگما و فری‌پیک و سایت‌های طراحی.» (مریم، متاهل، ۲۸ ساله، کارمند، تهران)

## ج) سرگرمی و فراغت

اینستاگرام، یوتیوب، تیک‌تاک، پینترست، توئیتر، لینکدین، اسپاتیفای، کست‌باکس، بوکینگ و حتی برخی بازی‌ها به‌طور کامل از زندگی روزمره حذف شده‌اند. مصاحبه‌شوندگان به‌درستی اشاره

می‌کنند که این «حذف سرگرمی» از منظر کلان شاید کم‌اهمیت به نظر برسد، اما اثر روانی شدیدی دارد:

«بخشی از وسیله زیستن که از دست رفته. سرگرمی، تفریح و خب مثل هوای پاک که نیاز بوده اما نبودش منجر به مرگ نشده ولی همیشه آسیب روانی نبودش رو انکار کرد.» (رضا، مجرد، ۵۲ ساله، نویسنده، کرج)

«یه سری بازی‌ها نیاز به اینترنت بین‌الملل داره. من یکی داشتم. شب‌ها قبل از خواب دلخوشیم بود، معما حل کنی طور بود و اون دیگه کار نمی‌کنه.» (مهسا، ۳۹ ساله، فری‌لنسر، اینستاگرامر، شیراز)

## د) ارتباط با خانواده و دوستان خارج از کشور

یکی از پنهان‌ترین و دردناک‌ترین ابعاد این بحران، قطع ارتباط با عزیزانی است که خارج از ایران زندگی می‌کنند. واتس‌آپ، تماس‌های تصویری با گوگل‌میت و گروه‌های خانوادگی به کلی از دست رفته‌اند:

«دو تا از خاله‌هام امریکا زندگی می‌کنن و مادرم هفته‌ای چند بار با هر کدوم تماس تصویری می‌گرفت ... الان همه این‌ها رو از دست داده و باعث شده افسرده و ناراحت‌تر از قبل باشه. هی از من می‌پرسه چرا اینترنت رو وصل نمی‌کنن؟ ... تنها دلخوشی مادرم که تنها زندگی می‌کنه همین اینترنت و معاشرتش با خانواده و فامیل‌هاش بود.» (مهسا، ۳۹ ساله، فری‌لنسر، اینستاگرام، شیراز)

## ه) آموزش و رشد حرفه‌ای

یوتیوب به عنوان منبع اصلی آموزش، چت‌جی‌پی‌تی به عنوان دستیار کاری و تحقیقاتی و دسترسی به منابع علمی بین‌المللی همگی حذف شده‌اند. مصاحبه‌شوندگان تاکید می‌کنند که جایگزین داخلی برای این ابزارها وجود ندارد و کسانی که برای رشد حرفه‌ای نیازمند آنها بودند احساس «عقب‌افتادگی از دنیای نوین» می‌کنند.

«الان که عصر عصر هوش مصنوعیه عملا چت جی پی تی که پیش پا افتاده ترینشونه آرزو شده برامون، مجبوریم از یه ابزار مزخرف ایرانی مثل گپ جی پی تی استفاده کنیم... تازه یک دهم خروجی چت جی پی تی رو هم نداره.» (مریم، متاهل، ۲۸ ساله، کارمند، تهران)

«به شدت احساس عقب افتادگی می کنم. مخصوصا در مورد حوزه تکنولوژی... الان فهمیدم گوشیهایی مورد علاقه من چند مدل جدید روانه بازار کردن و من اصلا نفهمیدم.» (علی، مجرد، ۴۰ ساله، کارمند سفارت، تهران)

### ۳-۱. کاربردهای کلیدی از دست رفته نوجوانان

چهره‌ی «اینترنت ایده آل» نوجوان، چهره‌ی کلآژی است از پینترست، تیک تاک، یوتیوب، اینستاگرام، گوگل، چت جی پی تی و گیم آنلاین. هیچ کدام از اپ‌های داخلی توان جایگزینی کامل هیچ کدام از این موارد را ندارد و نوجوانان این را با ادبیاتی به مراتب صریح تر از بزرگسالان (روبیکا «بولشت محضه»؛ آیارات «خیلی قدیمیه»؛ ذره بین «به گوگل وصل نیست») بیان می کنند:

#### ۱. شبکه‌های بصری و الهام بخش

نوجوانان خاطر نشان می کنند که این شبکه‌ها (پینترست، تیک تاک، یوتیوب، اینستاگرام) تنها سرگرمی نیستند، بلکه «روتین زندگی»، «روش الهام گرفتن»، «سرگرمی هویتی» و حتی «درآمد بالقوه

برای آینده» هستند. هیچ جایگزین داخلی برای این شبکه‌ها وجود ندارد و جایگزین‌های پیشنهادی (روبیکا، آپارات، ذره‌بین) بنا بر اظهار نوجوانان «خیلی قدیمی» و «به‌دردنخور» تلقی می‌شوند.

«من بیشتر از پینترست استفاده می‌کردم که هیچ جایگزینی توی اینترنت ایران نداره. هیچ. یه ذره‌بین داره که حتی به گوگل و یه چیزهای چرت‌وپرت وصل نیست. تیک‌تاک هم خیلی استفاده می‌کردم و هیچ جایگزینی نداره.» (رهام، ۱۱ ساله، دانش‌آموز، اصفهان)

«از این‌رو به اون‌رو شده. خیلی تفاوت کرده، من دائم توی یوتوبم. یوتوبرهای مورد علاقم رو دائم می‌بینم. ... بدون اینستاگرام و یوتوب روانی می‌شدم و دوست داشتم سرم رو بکوبم روی میز.» (روشنک، ۱۶ ساله، دانش‌آموز، تهران)

«روبیکا یه سری اکسپلور داره و بولشت محضه. مثلا ویدئوهای آپارات از یوتوبرها خیلی قدیمیه. شاید مجبور به کوچ باشم ولی هیچ ارزشی نداره اون کوچ.» (روشنک، ۱۶ ساله، دانش‌آموز، تهران)

«یه جایگزین برای اینستاگرام هست، روبیکا که دوستانم استفاده می‌کنن و من خیلی از اینستاگرام خرید می‌کردم که توی روبیکا نیست فقط چیزهای زشت هست. ولی از اینستا کلی چیزهای شیک از ترکیه و دوبی می‌ومد و می‌خریدیم.» (رهام، ۱۱ ساله، دانش‌آموز، اصفهان)

## ۲. آموزش، موتورهای جست‌وجو و ابزارهای هوش مصنوعی

جست‌وجو در گوگل، استفاده از یوتوب آموزشی و چت‌جی‌پی‌تی برای تکالیف درسی (تحقیق‌های درسی و منابع کمک‌آموزشی) ضروری بوده و حذف آن، یادگیری را به شدت مختل کرده است. ابزار داخلی «گپ‌جی‌پی‌تی» به عنوان جایگزین «تا حدی قابل استفاده ولی بسیار ضعیف» توصیف می‌شود.

«به جای چت جی‌پی‌تی از گپ جی‌پی‌تی استفاده می‌کنم. خیلی بد نیست ولی زیاد هم فایده نداره. دوستانم اکثرا استفاده می‌کنن و بیشتر وقتشون رو با اون می‌گذرونن.» (آرش، ۱۷ ساله، دانش‌آموز، اصفهان)

«توی هنرستان معماری می‌خونم و هی سرچ لازم دارم که اصلا نمی‌شه. آپارات هم اینقدر شلوغ شده که اصلا نمیشه توش آپلود کرد و اصلا موفق نبوده... خیلی مقاومت می‌کردیم که ایرانی‌ها رو نصب نکنیم. الان شاد و ایتا و بله رو همه رو نصب کردیم. مجبور شدیم.» (آیدا، ۱۷ ساله، اصفهان، دانش‌آموز)

## ۳. بازی آنلاین (Online Gaming)

یک کاربرد ویژه‌ی نوجوانان که در گزارش بزرگسالان وزن کمی داشت، گیم آنلاین است. آن‌ها می‌گویند حالا دیگر گیم را «بیخیال» شدن زیرا به سختی می‌توانند متصل شوند:

«خودم دیگه بیخیال گیم شدم و بیشتر فیلم می‌بینم ولی یه سری سرورهای کمی هست که بشه به بازی‌های بین‌المللی وصل بشی و بازی کنی ولی خب خیلی کمه و همه نمی‌تونن استفاده کنن.» (آرش، ۱۷ ساله، دانش‌آموز، اصفهان)

## بخش دوم: اقتصاد دسترسی؛ تا کجا حاضرند هزینه کنند؟

### ۲-۱. سقف تحمل مالی

یافته روشن این بخش این است که هزینه دسترسی به اینترنت بین‌الملل برای بخشی از کاربران، به یک «هزینه ثابت ماهانه» تبدیل شده؛ که با وجود فشار اقتصادی، هنوز حاضرند هزینه آن را بپردازند. اما برای گروهی دیگر، همین هزینه از «سقف تحمل مالی» عبور کرده و عملاً به کنار گذاشتن اینترنت بین‌الملل منجر شده است. روایت‌های مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که در بسیاری از حلقه‌های اجتماعی اطرافیان‌شان، تنها اقلیتی کوچک هنوز توان پرداخت هزینه VPN و کانفیگ‌های گران را دارند. درصدهایی که مصاحبه‌شوندگان در این باره گزارش کرده‌اند با وجود تفاوت‌های جزئی، تصویری کم‌وبیش مشابه ارائه می‌دهد:

- مصاحبه ۲: «شاید بیست درصد اطرافیان من می‌رن سراغش.»
- مصاحبه ۵: «شاید فقط ۱۰ درصد آدم‌های دور و بر من وصلن، اون هم جوری استفاده می‌کنن که دو روزه تموم نشه.»
- مصاحبه ۱۲: «کلا ۳ نفر رو از بین ۳۰ نفر اطرافم می‌شناسم.» (یعنی حدود ۱۰٪)

- مصاحبه ۱۴: «۹۰٪ اون افرادی که بیخیال شدن هیچ چیز جایگزین ایرانی هم استفاده نکردن.»
- مصاحبه ۱۶: «حدود ۶۰٪ اطرافیان من کلاً به اینترنت بین‌الملل دسترسی ندارن، اون ۴۰٪ با خرید کانفیگ‌های گرون و گیگی خدا تومن... وصل می‌شن.»

## ۲-۲. الگوهای رفتاری در برابر افزایش هزینه

سه الگوی رفتاری مشخص در پاسخ‌ها قابل تشخیص است:

### ۱) استمرار اجباری

کسانی که درآمدشان به اینترنت گره خورده، حتی با گرانی شدید ادامه می‌دهند، چون «راه دیگری ندارند». این گروه شامل تریدرها، برنامه‌نویس‌ها، فریلنسرهای بین‌المللی و کسانی که هزینه را کارفرمای خارجی پرداخت می‌کند می‌شود. مصاحبه ۲ نکته جالبی مطرح می‌کند: «فقط اون‌هایی ادامه می‌دن که مثل من هزینه‌هاش رو صاحبکارش می‌ده.»

### ۲) رفتار سینوسی

یک الگوی متمایز که در مصاحبه ۷ صریحاً نام‌گذاری شده است: کاربر VPN می‌خرد، خسته می‌شود و ادعا می‌کند ارزش ندارد، دوباره می‌خرد و در هر دور از قبل بیشتر «غر می‌زند». این رفتار یادآور چرخه‌ی اعتیاد-بازگشت است و نشان می‌دهد که اینترنت بین‌الملل از سطح «نیاز» به سطح «عادت زیستی» رسیده است.

«چیزی که تا الان دیدم انگار به رفتار سینوسی شده، طرف پول می‌ده، می‌خره، بعد می‌گه ارزش نداره دیگه نمی‌گیرم اما بعد باز دوباره می‌خره و بیشتر از سری پیش غر می‌زنه که چرا شرایط طوری شده که برای حق بدیهش باید این قدر هزینه کنه.» (مهناز، متاهل، ۳۰ ساله، مدیرفروش صنف پوشاک، تهران)

### ۳) کناره‌گیری و خشم

اکثریت، به‌ویژه کسانی که اینترنت برایشان «نیاز شغلی واجب» نیست، از خرید VPN دست می‌کشند، اما در همان حال «عصبانی، کلافه، خسته، و افسرده» می‌شوند. مصاحبه‌ا این را به خوبی ترسیم می‌کند: «۹۰ درصد مواقع وقتی از سطح بودجه‌شون بالاتر می‌شه بیخیال می‌شن آدما و همزمان با اینکه بیخیال می‌شن عصبی و کلافه هستن و فحش به باعث و بانیش می‌دن.» این هم‌زمانی سکوت و خشم، یکی از الگوهای روانی مشترک این بحران است.

### ۲-۳. ریسک مالی و امنیتی برای خرید VPN

یک نکته‌ی فرعی در کنار هزینه خرید VPN، ریسک خرید و نارضایتی از فروشندگان VPN است. کاربران از قطعی‌های مکرر و عدم گارانتی سرویس‌های VPN و بی‌اعتمادی نسبت به فروشندگان شکایت دارند. مصاحبه ۲ تاکید می‌کند: «بیشتر از هزینه بالا هم از قطع و وصل شدن یا دزدی‌های فیلترشکن فروش‌ها ناراضین.» این بی‌اعتمادی، خرید VPN را به یک معامله‌ی پرریسک حتی برای کسانی که توان مالی دارند تبدیل کرده است. معامله‌ای که امکان هیچ نظارت و سازوکار رسمی برای

شکایت یا پیگیری ندارد در نتیجه، کاربران ناچارند به فروشندگانی ناشناس از دو جنبه اعتماد کنند یکی آنکه اصلاً سرویس کار می‌کند یا نه و دوم اینکه در صورت کارکردن هم آیا برای حفظ حریم خصوصی آن‌ها امن هست یا نه؟

## بخش سوم: هزینه بیشتر یا جایگزینی سرویس‌های داخلی؟

### ۱-۳. ترجیح ایده‌آل در برابر اجبار واقعی

در سطح ایده‌آل، بخش بزرگی از مصاحبه‌شوندگان همچنان استفاده از پلتفرم‌های جهانی از طریق VPN را به اپ‌های داخلی ترجیح می‌دهند؛ حتی با وجود هزینه‌های بالا، قطعی‌های مداوم و ریسک خرید VPN. دلیل اصلی این ترجیح، فقط کیفیت فنی نیست، بلکه حفظ احساس «اتصال به جهان بیرون»، دسترسی آزادتر به اطلاعات و امکان استفاده از ابزارها و پلتفرم‌هایی است که کاربران سال‌ها به آن‌ها عادت کرده‌اند. اما در عمل، شکافی میان «ترجیح واقعی» و «رفتار روزمره» شکل گرفته است. بسیاری از کاربران، حتی وقتی خودشان VPN دارند، برای ارتباط با خانواده، همکاران، مشتریان یا گروه‌های کاری و تحصیلی ناچارند به اپ‌های داخلی برگردند، چون بخش بزرگی از اطرافیان‌شان دیگر توان پرداخت هزینه اتصال به اینترنت بین‌الملل را ندارند. این وضعیت نوعی «اجبار شبکه‌ای» ایجاد کرده؛ یعنی انتخاب افراد دیگر، رفتار آنلاین خود فرد را هم تغییر می‌دهد.

مصاحبه ۱ این وضعیت و فشار شبکه‌ای را به روشنی توضیح می‌دهد: «داداشم ... وی‌پی‌ان همیشه داره اما اپ داخلی هم داره چون بقیه کسانی که می‌خواد باهاشون در ارتباط باشه ندارن وی‌پی‌ان و مجبوره.»

## ۲-۳. اپ‌های داخلی پرتکرار و انتقادهای

در میان اپ‌ها و سرویس‌های داخلی، چند نام تقریباً در تمام مصاحبه‌ها تکرار می‌شود؛ اما نکته مهم این است که استفاده از آن‌ها اغلب نه از روی رضایت، بلکه از سر اجبار، نبود جایگزین، یا فشار شبکه‌های کاری و خانوادگی است. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان از این سرویس‌ها با واژه‌هایی مثل «تحقیر»، «عذاب»، «ناچاری» و «عقب‌افتادگی» یاد می‌کنند.

- «بله»: پرتکرارترین پیام‌رسان داخلی در میان مصاحبه‌شوندگان است. تقریباً همه، حتی کسانی که پیش‌تر مخالف نصب اپ‌های داخلی بوده‌اند، در مقطعی ناچار به استفاده از آن شده‌اند؛ برای ارتباط کاری، گروه‌های خانوادگی، ارسال فایل یا حتی دریافت سهمیه نانوايي. با این حال، انتقادهای آن گسترده است: کندی، قطعی، تاخیر در ارسال پیام، محدودیت فایل، نیاز به دانلود مجدد فایل‌ها، ناپایداری نسخه وب، و تجربه‌ای که برخی آن را «توهین به کاربر» توصیف می‌کنند.
- «ایتا» و «روبیکا»: بیشتر به‌عنوان ابزارهای ارتباطی حداقلی یا جایگزین اضطراری استفاده می‌شوند؛ به‌ویژه برای گروه‌های مدرسه، ارتباطات کاری، کانال‌های خبری یا فعالیت‌های صنفی. درباره روبیکا، علاوه بر انتقادهای مربوط به کیفیت و فضای کاربری، مسئله حریم خصوصی و کنترل حساب هم مطرح می‌شود؛ یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «۱۰ روز بعد نصب اجازه پاک کردن حسابم رو می‌ده.»
- «سروش پلاس»: تنها در چند مورد مطرح شده و عمدتاً برای تماس با خارج از کشور یا ارتباطات ضروری استفاده شده است، نه به‌عنوان انتخاب محبوب کاربران.
- در حوزه جست‌وجو و وب‌گردی، سرویس‌هایی مثل «ذره‌بین» و «برتینا» تقریباً به‌طور کامل با تجربه‌ای منفی توصیف می‌شوند: نتایج نامرتب، کندی شدید، باز نشدن لینک‌ها و احساس

«عقب‌افتادگی تکنولوژیک». یکی از کاربران می‌گوید جست‌وجوی ساده در ذره‌بین «حداقل ۳۰ ثانیه طول می‌کشد و تازه از ۱۰ تا سایت فقط یکی باز می‌شود».

- در حوزه هوش مصنوعی، کاربران بارها از «گپ‌جی‌پی‌تی» به‌عنوان جایگزین داخلی ChatGPT نام می‌برند، اما تقریباً همیشه با نارضایتی. انتقادهای شامل کیفیت پایین پاسخ‌ها، محدودیت استفاده، مدل پولی اجباری و فاصله زیاد با نسخه اصلی است. بعضی کاربران تجربه استفاده از آن را بخشی از احساس «محرومیت تکنولوژیک» توصیف می‌کنند.

- در مقابل، برخی سرویس‌های سرگرمی و آموزشی داخلی پذیرش بیشتری دارند؛ سرویس‌هایی مثل «آپارات»، «فیلیمو»، «فیدیبو»، «فرادرس»، «مکتب‌خونه»، «ملودیفای»\* و «نوار» بیشتر به‌عنوان جایگزین‌های ناقص اما قابل‌تحمل برای موسیقی، فیلم، پادکست یا آموزش استفاده می‌شوند. هرچند بسیاری از کاربران تاکید می‌کنند کیفیت، تنوع و تجربه کاربری آن‌ها با نمونه‌های جهانی قابل‌مقایسه نیست.

- در فضای کاری نیز اشاره‌هایی به ابزارهای داخلی جایگزین سرویس‌های بین‌المللی دیده می‌شود؛ از جمله «میزیتو» به جای ترلو و «مترموست» به جای Microsoft Teams. اما کاربران این ابزارها را عمدتاً نسخه‌هایی محدود، کند و فاقد امکانات حرفه‌ای توصیف می‌کنند.

یک الگوی مهم دیگر در مصاحبه‌ها، «استفاده چندلایه و ناهمگون» است؛ یعنی کاربران ناچار شده‌اند هم‌زمان چندین اپ داخلی را فقط برای زنده نگه داشتن حداقل ارتباطات روزمره نصب کنند: «با یکی باید تو بله ارتباط بگیری، با یکی ای‌تا، یکی هم روبیکا نداره».

این بخش از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که مسئله فقط «وجود» جایگزین داخلی نیست، بلکه کیفیت پایین، بی‌اعتمادی، فشار اجتماعی و احساس اجبار، تجربه استفاده از این سرویس‌ها را برای بسیاری از کاربران به تجربه‌ای فرساینده و تحقیرآمیز تبدیل کرده است.

### ۳-۳. اپ‌های داخلی پرتکرار و انتقادهای نوجوانان

درباره نوجوانان، یکی از الگوهای روایی برجسته، مقاومت اولیه آن‌ها در استفاده از اپ‌های داخلی است و تسلیم تدریجی همراه با شرم و نارضایتی آن‌ها هم به اجبار سیستم آموزش از راه دور: «خیلی مقاومت می‌کردیم که ایرانی‌ها رو نصب نکنیم. الان شاد و ایتا و بله و همه رو نصب کردیم. مجبور شدیم.» در حال حاضر اپ‌ها و سامانه‌های گوناگون آموزش از راه دور تبدیل به بخشی از زندگی روزمره آن‌ها شده است این سامانه‌ها عبارت‌اند از:

- شاد: زیرساخت رسمی وزارت آموزش و پرورش، که دانش‌آموزان مقاطع مختلف به صورت سه‌ماهه‌بندی شده و هر کدام در ساعات مشخص امکان استفاده از آن را دارند. اما برخی مدارس به تصمیم خود از پلتفرم‌های دیگری مانند اسکای‌روم هم استفاده می‌کنند. نوجوانان در این مصاحبه اذعان کردند که عملاً امکان برگزاری کلاس به صورت لایو بسیار محدود است به خاطر سرعت و کیفیت اینترنت و معلم‌ها ترجیح می‌دهند فایل‌های آموزشی را ارسال کنند تا خود دانش‌آموزان با کمک این فایل‌های ویدیویی یا صوتی آموزش ببینند.
- ایتا و بله: اپ‌های پیام‌رسان داخلی برای ارسال جزوه و لینک کلاس.
- اسکای‌روم: نسخه‌ی ایرانی پلتفرم زوم برای برگزاری کلاس آنلاین که به‌گفته‌ی نوجوان‌ها سرعتش «اصلاً خوب نیست».
- سپید: سامانه‌ی برگزاری کلاس مجازی که یکی از نوجوان‌ها آن را «یه اسکی خیلی ضایع از بلوباتن» توصیف می‌کند.
- روبیکا: گاهی کلاس‌ها در روبیکا برگزار می‌شوند، بسته به تصمیم معلم.

«ما اپلیکیشن شاد نداریم ما توی ایتا هستیم ولی خب خیلی‌ها توی شاد هستن. توی ایتا هم به لینک می‌فرستن به اسکای روم ایرانی هست. سرعت‌هاشون اصلاً خوب نیست. بعد از هر پیام، باید یک نقطه بفرستی تا پیام‌ها ارسال بشه! و اصلاً سرعتشون خوب نیست.»  
(آرش، ۱۷ ساله، دانش‌آموز، اصفهان)

«ما توی سامانه سپید که به اسکی خیلی ضایع از بلوباتن به همچین چیزی و بعضی وقت‌ها توی شاد و ایتا و روبیکا بستگی به اینکه معلم‌ها مون چی داشته باشن. شاد هم برای دبیرستانی‌ها زمان‌بندی شده و متناسب با اینکه کلاس چندم هستن برنامه دارن که وصل بشن.» (آیدا، ۱۷ ساله، اصفهان، دانش‌آموز)

«ایتا، بله و شاد. توی ایتا جزوه می‌فرستن. توی اسکای روم کلاس‌ها برگزار می‌شه.» (رهام، ۱۱ ساله، دانش‌آموز، اصفهان)

**از منظر کیفیت آموزشی، چند پیامد قابل‌توجه برای نوجوانان در وضعیت فعلی قابل‌شناسایی است:**

- نخست، وابستگی کامل آموزش رسمی به اپلیکیشن‌های داخلی در دوره‌های قطعی اینترنت، عملاً نوجوانان را به استفاده از پلتفرم‌هایی سوق داده که از نظر تجربه کاربری، ماهیتی «تحمیلی» دارند.

بنابراین نوجوان‌ها احساس ناخوشایندی در استفاده از این پلتفرم‌ها دارند که بر تجربه آموزش و یادگیری آن‌ها نیز اثرگذار است.

- دوم، گزارش‌های متعدد درباره سرعت پایین، محدودیت در زمان بندی و ناپایداری ارتباط، نشان می‌دهد که زیرساخت آموزشی شاد، ظرفیت پاسخ‌گویی به حجم بالای کاربران را ندارد.
- سوم، استفاده هم‌زمان از چندین اپلیکیشن (شاد، ایتا، بله، اسکای‌روم/سپید و روبیکا) نشان می‌دهد که نیازهای آموزشی در یک بستر واحد تأمین نشده است؛ در نتیجه، دانش‌آموزان ناچار بوده‌اند برای انجام فعالیت‌های مختلف آموزشی، به‌طور مداوم میان پلتفرم‌های مختلف جابه‌جا شوند. این وضعیت نه تنها فرایند یادگیری را پیچیده‌تر کرده، بلکه باعث شده تجربه آموزشی دانش‌آموزان نیز بسته به مدرسه یا محل زندگی، متفاوت و نابرابر باشد.

#### ۳-۴. کسانی که قید اینترنت بین‌الملل را زده‌اند

- الگوی واضحی در پاسخ‌ها مشهود است. این گروه عمدتاً شامل افراد زیر می‌شوند:
- نسل والدین یا افراد مسن
- اقشار کم‌درآمد و کسانی که اینترنت برای کارشان «واجب» نبوده
- کسانی که از قبل مصرف‌کننده‌ی پلتفرم‌های داخلی بودند (فیلمو، فرادرس، مکتب‌خونه)
- افراد «کم‌تر آشنا» در فضای دیجیتال

«نسل پدر مادرهای ما که کلا براشون مهم نبود و اکثرا نرفتن سراغ خرید فیلترشکن و قیدش رو زدن.» (میلا، متاهل، ۳۵ ساله، مهندس مکانیک و کارمند ریموت با استرالیا، مشهد)

«معمولا اون‌هایی قید اینترنت بین الملل رو زدن که از قبل با اینترنت داخلی کار کرده بودن. مثلا فیلمشون رو از فیلیمو می‌دیدن یا آموزششون رو از «فرادرس» و «مکتب‌خونه» دنبال می‌کردن.» (احسان، مجرد، ۳۱ ساله، کارشناس محیط زیست، فریلنسر، زنجان)

### ۵-۳. احساس درونی استفاده از اپ‌های داخلی

- یکی از مهم‌ترین الگوهای مشترک این بخش، استفاده از واژه‌هایی با بار احساسی شدید برای توصیف تجربه استفاده از اپ‌های داخلی است: «خفت»، «توهین»، «شرمندگی»، «تحقیر»، «کسر شأن»، «تجاوز»، «کلاهبرداری»، «نفرت»، «انزجار». «اعصاب خردی»، «احساس عقب‌افتادگی».

«به‌جز برادرم که معتقد بود که باید کار انجام بشه مهم نیست در کجا، اما همه حس شرمندگی داشتن و احساس بدی دارن از استفاده کردن اپ‌های داخلی.» (مهسا، ۳۹ ساله، فری‌لنسر، اینستاگرامر، شیراز)

«یه تایمی که وی‌پی‌ان نبود هوش مصنوعی ایرانی رو استفاده می‌کردم و واقعا عصبیم می‌کرد و دلم می‌خواست سیستم رو خوردم کنم... استفاده کردن از اپی مثل بله که قشنگ توهین به کاربره.» (مریم، متاهل، ۲۸ ساله، کارمند، تهران)

«تن دادم به خفت اپلیکیشن «بله»... وقتی نسخه وب‌اش روی گوشیم می‌نویسه «در حال اتصال» و این ارور ممکنه تا ساعت‌ها طول بکشه عذاب می‌کشم و می‌خوام کله‌ام رو بکوبم به دیوار.» (مهناز، متاهل، ۳۰ ساله، مدیرفروش صنف پوشاک، تهران)

«استفاده کردیم، .... حس کلاهبرداری، حس تجاوز.» (محسن، مجرد، ۴۵ ساله، برنامه‌نویس، فریلنسر، تهران)

«به‌شدت احساس عقب‌افتادگی، تحقیر و توسری خوردن بهم دست می‌ده... هر بار وارد اپ «بله» می‌شم احساس می‌کنم بهم دارن فحش می‌دن..» (پروانه، متاهل، ۴۳ ساله، مدرس زبان انگلیسی، تهران)

- این احساس درونی برای نوجوانان، از سطح خشونت ادبیات بزرگسالان نیز فراتر رفته است. آن‌ها صریحاً اظهار می‌کنند که نصب اپ‌های داخلی را به‌عنوان یک «شکست شخصی»، «تحمیل»،

«تحقیر»، یا «کوچ بی‌ارزش» تجربه کرده‌اند و برای بیان احساس خود از واژه‌هایی مانند «مزخرف»، «آشغال» و «چرت‌وپرت» استفاده می‌کنند:

«خیلی مقاومت می‌کردیم که ایرانی‌ها رو نصب نکنیم. الان شاد و ایتا و بله رو همه رو نصب کردیم. مجبور شدیم.» (آیدا، ۱۷ ساله، اصفهان، دانش‌آموز)

«روبیکا و اینا خیلی مزخرفه. توی آیفون که خیلی بده حالا شاید توی اندروید بهتر باشه. مجبوریم، نمی‌شه فقط پول پیامک بدی.» (آیدا، ۱۷ ساله، اصفهان، دانش‌آموز)

«ووایس ارسال نمیشه، ووایس بقیه باز نمیشه، عکس نمی‌ره. به پیام ممکنه ۱۰-۱۵ دقیقه نره و تو هی میگی: برو دیگه لعنتی؛ خیلی اذیت‌کننده است.» (روشنک، ۱۶ ساله، دانش‌آموز، تهران)

- حس درونی دیگری که نوجوانان حتی شدیدتر از بزرگسالان در مواجهه با اپ‌های داخلی تجربه کرده‌اند، حس ناامنی و باور به نظارت مستقیم اشخاص است. یکی از آن‌ها با لحنی که آمیزه‌ای از طنز و ترس واقعی دارد، خود رییس جمهور را به‌عنوان نماد ناظر تصور می‌کند و نوجوان دیگری از تصویر «یک آدم کت‌شلواری که حرف‌های ما رو می‌خونه» استفاده می‌کند:

«عدم امنیت که خیلی و چون می‌دونم آقای پزشک‌های داره همه‌ی پیام‌های من رو می‌خونه و فردا با تفنگ میاد بالا سر من؛ اصلاً نمی‌تونم حرف بزنم به خاطر ناامنیش.» (روشنک، ۱۶ ساله، دانش‌آموز، تهران)

«همیشه به کت شلواری هست که داره حرف‌های ما رو می‌خونه. رمزی حرف می‌زنیم. حضوری بیشتر می‌بینیم هم رو. عکس نمی‌تونیم بفرستیم چون می‌بینن.» (آیدا، ۱۷ ساله، اصفهان، دانش‌آموز)

نتیجه این احساس تحت نظر بودن، یک خودسانسوری روزمره است که نوجوان به طور خودبه‌خود به آن عادت کرده؛ رمزی حرف زدن، عکس نفرستادن و تکیه به ملاقات حضوری با دوستانش. این الگو از منظر رشد روانی-اجتماعی نوجوان، ابعاد نگران‌کننده‌ای پیدا می‌کند: یک نسل در حال یاد گرفتن آن است که زبان عمومی خودش را پنهان کند و هشدار می‌دهد که خودسانسوری در گفتار آنلاین این نسل تثبیت شود.

## بخش چهارم: استارلینک؛ فرصت یا تهدید؟

### ۴-۱. دوگانه فرصت و تهدید

نگاه به استارلینک یک نمونه‌ی روشن از تنش بین «امید به آینده» و «ترس روزمره» است. در سطح ایدئال، تقریباً همه‌ی مصاحبه‌شوندگان استارلینک را یک «راه‌حل» یا «فرصت» می‌بینند. اما هنگام

بحث در مورد خرید واقعی، همان افراد به سرعت به سمت کلیدواژه‌های ریسک می‌روند: «جرم»، «دادگاهی شدن»، «اعدام»، «قاچاق»، «گزارش همسایه»، «ضبط دستگاه»، «هزینه‌ی بالا»، «بی‌اعتمادی به فروشنده».

«استارلینک راه حل هست اما دو تا گره داره، اولاً مساله جرم بودنش هست و دوم هزینه بسیار بالا برای خرید و هزینه نسبتاً بالای شارژ ماهانه که با بالا رفتن دلار، از صرفه بیش از پیش در میاد.» (میلا، متاهل، ۳۵ ساله، مهندس مکانیک و کارمند ریموت با استرالیا، مشهد)

«از اینکه به عنوان جاسوس گرفته یا اعدام بشن و دستگاه هم ضبط بشه می‌ترسن، کسانی که دارن هم به بقیه نمی‌گن که دارن. آخه این روزهای جنگ از خیلی‌ها شنیدیم که آدم‌فروشی می‌کنن خیلی از در و همسایه‌ها متاسفانه.» (محسن، مجرد، ۴۵ ساله، برنامه‌نویس، فریلنسر، تهران)

«اون‌هایی که دارن حتی به خواهر، برادر و پدر مادرشونم نمی‌گن، ازیس جو رو ترسناک کرده حاکمیت.» (محسن، مجرد، ۴۵ ساله، برنامه‌نویس، فریلنسر، تهران)

«در یک سال گذشته یکی از همکاران ما رو به خاطر داشتن استارلینک دادگاهی کردن و اذیت کردن.» (آتنا، مجرد، ۲۷ ساله، کارمند استارت‌آپ، کاشان)

اجماع روشنی بین مصاحبه‌شوندگان درباره افرادی که ریسک استفاده از استارلینک را می‌پذیرند وجود دارد:

- کسانی که کسب‌وکار آنلاین دارند یا درآمدشان به اینترنت گره خورده
- افراد متخصص و فنی که به ساز و کار پنهان‌سازی استارلینک آگاه هستند
- ساکنان واحدهای مستقل (در مقایسه با مجتمع‌های پرواخذ)؛ به دلیل سهولت مخفی‌سازی تجهیزات

## ۲-۴. خرید گروهی: سرگردان بین جذابیت و نااعتمادی

ایده‌ی خرید گروهی استارلینک (با همسایه‌ها یا فامیل) ایده‌ای است که در ذهن خیلی‌ها به‌عنوان «راهکار اقتصادی» می‌چرخد، اما در عمل با دو مانع جدی روبه‌روست: ترس از لو رفتن و بی‌اعتمادی متقابل. مصاحبه‌ها این تنش را به‌خوبی توضیح می‌دهد: «خرید گروهی خیلی به صرفه است نسبت به اینترنت معمولی ولی چون یجورایی قانونی نیست خیلی همه می‌ترسن و می‌گن باید همه شرکا رو اعتماد داشته باشی بهشون.»

با این حال، چندین مصاحبه‌شونده باور دارند که اگر این وضعیت ادامه‌دار شود، مانند سال‌های نخست ورود دیش‌های ماهواره به ایران، خریده‌های گروهی رواج خواهند یافت:

«اگر قابل خریدن باشه مثل وی پی انی که قبل این ماجرا می خریدیم و سوالی تو خریدنش نبود، استارلینک همینجوری می شه.» (مریم، متاهل، ۲۸ ساله، کارمند، تهران)

«خرید اشتراکی استارلینک قطعاً به عنوان به گزینه طی ماه های دیگه مطرح خواهد شد و عادی می شه، نه که لوکس باشه. فقط باید مردم ... ترسشون بریزه.» (سیما، متاهل، ۴۰ ساله، خانه دار، تهران)

«در ادامه اگه کلا اینترنت قطع بشه، مردم در دهن کجی به حکومت هم که شده همه بهش روی میارن و می شه به چیزی مثل ماهواره و رایج می شه.» (مهسا، ۳۹ ساله، فری لَنسر، اینستاگرامر، شیراز)

### ۳-۴. کالای لوکس یا ضروری؟

از پاسخ های مصاحبه شوندگان درباره میزان ضرورت استارلینک، دو الگوی پرتکرار وجود دارد:

- کسانی که استارلینک را لوکس می دانند چون «امیدوارند وضعیت اینترنت به حالت قبل برگردد».
- کسانی که آن را در حال نزدیک شدن به ضرورت می بینند، به ویژه برای کسانی که درآمدها از اینترنت است.

نکته مشترک اینکه «انتظار به بازگشت وضعیت قبلی» یکی از مهم ترین عواملی است که تصمیم گیری برای خرید استارلینک را به تعویق می اندازد. به محض اینکه این انتظار از بین برود، تقاضا به سرعت بالا

خواهد رفت.

## بخش پنجم: سازگاری، آینده و سایه اینترنت طبقاتی

### ۱-۵. سازگاری با وضع موجود اینترنت یا مقاومت

پاسخ‌های کاربران درباره اینکه مردم در حال سازگار شدن با وضعیت موجود هستند یا هنوز در پی راه حل، نشان می‌دهد که گروه آن‌ها که سازگار شده‌اند در نگاه مصاحبه‌شوندگان این پژوهش، غالب است و اکثریت پاسخ‌ها به این جهت‌گرایی دارند:

«بیشتر افراد تسلیم شدن» (مصاحبه ۶)، «اکثریت سازگار شدن، چون عدم سازگاری تبعات و هزینه داره» (مصاحبه ۵)، «بیشتر دارن تسلیم می‌شن» (مصاحبه ۸)، «بیشتر به نظرم سازگار شدن» (مصاحبه ۴).

«عادت می‌کنن. انگار که هیچ وقت تلگرام نبوده و اینستاگرام هم به هم‌چنین. دل می‌دن به همین «بله» و «ایتا» و امثالهم.» (رضا، مجرد، ۵۲ ساله، نویسنده، کرج)

«ما درک و لذت اینترنت واقعی را نچشیدیم. همه این سال‌ها چون بود و نبود شده بارها، بنابراین انگاری با شرایط نبودش به سرعت کنار می‌ایم.» (رضا، مجرد، ۵۲ ساله، نویسنده، کرج)

نکته قابل توجه این است که این سازگاری را ناشی از «خستگی» و «ناامیدی» می‌دانند نه پذیرشی از سرانتخاب. آن‌ها اثر بلندمدت قطعی اینترنت، را عمدتاً حول این محورها می‌دانند:

- افسردگی و فرسودگی روانی گسترده در جامعه.
- ناامیدی، انزوا، و «بی‌حسی» جمعی.
- افزایش شکاف طبقاتی و فقیر شدن بیشتر مردم.
- افزایش نارضایتی عمومی و احتمال «خیزش» یا «انقلاب» جدید.
- افزایش امواج مهاجرت.
- افزایش موج خودکشی، به‌ویژه اگر وضعیت تثبیت شود.

«خیزش و انقلاب بعدی صرفاً برای اینترنت خواهد بود و زنان خانه‌داری که تنها تفریح‌شون تو خونه پشت صفحه گوشی بود در خط مقدم این خیزش قرار می‌گیرن.» (محمد، مجرد، ۲۳ ساله، مهندس شهرساز، بازار آهن، ارومیه)

«اگه در بلند مدت همینطوری بمونه یه موج بزرگی از خودکشی و افسردگی خواهیم داشت و یه موج بزرگی از مهاجرت.» (آتنا، مجرد، ۲۷ ساله، کارمند استارت‌آپ، کاشان)

در مقابل، برخی پاسخ‌ها نیز اشاره می‌کنند که گروهی عمدتاً شامل افراد جوان‌تر، متخصصان فنی و کسانی است که اینترنت برای آنها به شغل و کسب درآمد گره خورده است، همچنان فعالانه به دنبال

راه حل هستند: «به نظرم مخصوصاً که طولانی شد خیلی‌ها دارن می‌افتن دنبال وی‌پی‌ان قیمت مناسب» (مصاحبه ۱)، «۹۰٪ اطرافیانم سازگار نشدن و تسلیم نشدن» (مصاحبه ۱۵).

موضوع مهاجرت هم سایه‌ای است که در همه پاسخ‌ها حاضر است اما با شیوه‌ها و در قالب‌های مختلف. تقریباً هیچ‌کس نمی‌گوید «صرفاً به خاطر اینترنت» مهاجرت می‌کند، اما تقریباً همه می‌گویند که اینترنت یکی از کاتالیزورها یا «انگیزه‌های آخر» است و برای سازگار نشدن با وضع موجود به آن هم فکر می‌کنند:

«خیلی‌ها تو صنف کامپیوتر بخاطر اینترنت مهاجرت کردن توی همه این سال‌ها... آگه بخواد ادامه دار باشه قطعاً خیلی‌های دیگه هم مهاجرت خواهند کرد. شک ندارم.» (محسن، مجرد، ۴۵ ساله، برنامه‌نویس، فریلنسر، تهران)

«خیلی دیدم و تقریباً همه اطرافیانم دارن به مهاجرت فکر می‌کنن. حالا نه فقط به خاطر اینترنت ولی اینترنت هم بخشی از این ماجراهاست.» (مهسا، ۳۹ ساله، فریلنسر، اینستاگرامر، شیراز)

«یه دوست روانشناس برای ارتباط با بیمارهاش که خارج از کشورن قصد داشت بره ترکیه.» (رضا، مجرد، ۵۲ ساله، نویسنده، کرج)

## ۲-۵. واکنش به «اینترنت طبقاتی»

در پاسخ به این که «اگر اینترنت برای همیشه طبقاتی شود، چه می‌کنی؟» دو الگوی مهم وجود دارد:

- **مقاومت اخلاقی:** گروهی که حاضر نیستند به ساختار طبقاتی تن دهند؛ آن را «رانت» می‌دانند و رد می‌کنند:

«استفاده از اینترنت طبقاتی به نوعی رانت هست و من هرگز از رانت استفاده نمی‌کنم. حتی اگر بتوانم بگیرم. حتی اگر دسترسی هم پیدا کنم و واردش بشم وقتی همه جامعه نتونن اونجا باشن دیگه برای من فایده‌ای نداره. تصمیم الان اینه که تن ندم حتی اگر مجبور شم مهاجرت کنم.» (مهسا، ۳۹ ساله، فری‌لنسر، اینستاگرامر، شیراز)

«شخصاً اگر نت طبقاتی بشه می‌ذارم از ایران می‌رم. سازگاری برای من معنی نداره، شب و روز هم فحششون خواهم داد تا ابد.» (سینا، متاهل، ۴۲ ساله، تریدر، تهران)

«بسیار خشمگینم و حاضر نیستم تن بدم به همچین شرایطی. دنبال آگاه کردن آدم‌هایی هستم که فکر می‌کنم بتوانم آگاهشون کنم... اگر بخواد اینجوری پیش بره مهاجرت همیشه جز پلن هام.» (مهناز، متاهل، ۳۰ ساله، مدیرفروش صنف پوشاک، تهران)

- **پذیرش از سر استیصال:** کسانی که از نظر اخلاقی با آن مخالف‌اند اما معتقدند وقتی راه دیگری ندارند، پس برای گذران زندگی و خصوصاً کسب درآمد ناچارند به آن تن دهند.

«شاید آگه خیلی تحت فشار قرار بگیرم ... اینترنت طبقاتی بگیرم ولی موقتی خواهد بود و برای گذر از وضع موجود.» (سارا، مجرد، ۲۶ ساله، بیولوژیست، کارشناس آزمایشگاه، کرج)

«تو پله اول به مهاجرت فکر می‌کنم. تو مرحله دوم آگه نشه، تسلیم میشم... چون وقتی نت ندارم در واقع از بازار کار حذف میشم... مجبور میشم تن بدم.» (احسان، مجرد، ۳۱ ساله، کارشناس محیط زیست، فریلنسر، زنجان)

«مگه اختیاریه که تن بدم یا نه. می‌رم خودم رو به جوری می‌کنم توی همون طبقات که اینترنت داشته باشم. به مهاجرت، ۳۰ ساله فکر می‌کنم ولی هیچوقت موفق نشدم ... بی‌اینترنت هم نمی‌تونم کار کنم ... مجبوری میرم طبقاتی رو می‌گیرم.» (محسن، مجرد، ۴۵ ساله، برنامه‌نویس، فریلنسر، تهران)

- **سکوت/تعلیق در برابر سوال:** گروه کوچکی هم هستند که از پاسخ به این سوال طفره می‌روند و می‌گویند «نمی‌خوام بهش فکر کنم» یا «در موقعیتش که قرار بگیرم بهش فکر می‌کنم». این طفره رفتن خودش یک نشانه‌ی فشار روانی است؛ یعنی این موضوع آن‌قدر سنگین است که حتی دلم نمی‌خواد باور کنم که سناریوی پیش‌روی اینترنت در ایران، اینترنت طبقاتی است.

## چشم‌اندازها و نتیجه‌گیری

اگر روند فعلی دسترسی به اینترنت در قالب قطع اینترنت بین‌الملل و ارایه اینترنت طبقاتی ادامه پیدا کند، این گزارش براساس بینش‌های استخراج‌شده از این مصاحبه‌ها، به سه پیامد محتمل اشاره

می‌کند:

۱- شکل‌گیری شکاف دیجیتالی طبقاتی پایدار میان اقشار با درآمد بالاتر (دسترسی به اینترنت به پرداخت هزینه بالاتر) و کم‌درآمد

۲- موج جدید مهاجرت متخصصان و نسل جوان‌تر

۳- افزایش نارضایتی عمومی که می‌تواند خود به یک نیروی بسیج‌کننده‌ی اجتماعی تبدیل شود؛ همان‌گونه که برخی مصاحبه‌شوندگان پیش‌بینی کرده‌اند: «انقلاب بعدی صرفاً برای اینترنت خواهد بود.»

در کنار این سه روند، داده‌های مربوط به نوجوانان هم نشان می‌دهد که پیامدهای این وضعیت به نسل‌های پایین‌تر نیز در حال سرایت است: شکل‌گیری یک شکاف آموزشی پایدار به دلیل اختلال در دسترسی به منابع جهانی مانند گوگل، یوتیوب و ابزارهای هوش مصنوعی و همچنین تثبیت الگوهای خودسانسوری و ناامنی در ارتباطات روزمره، که می‌تواند در بلندمدت بر شیوه‌ی بیان، یادگیری و تعامل اجتماعی این نسل اثرگذار باشد.

این گزارش تصویری چندلایه از یک بحران اجتماعی ارائه می‌دهد که ابعاد آن فراتر از یک مسئله‌ی تکنیکی یا فنی است. آنچه در ظاهر «قطعی اینترنت» نامیده می‌شود، در واقع تجربه‌ی زیسته‌ی از دست‌رفتن بخش بزرگی از زندگی مدرن است: کار، آموزش، سرگرمی، ارتباط با عزیزان، رشد حرفه‌ای و حق دسترسی به اطلاعات.

## پیشنهادهایی برای سازمان‌های فعال در حوزه حقوق بشر و حقوق دیجیتال:

### ۱. تسهیل دسترسی به ابزارهای دور زدن سانسور (VPN‌های امن و مقرون به صرفه):

با توجه به اینکه مصاحبه‌شوندگان از هزینه‌های کمرشکن فیلترشکن‌ها (که گاه برای یک کاربر به ماهیانه ۱۴ میلیون تومان یا مبالغ میلیونی دیگر می‌رسد) و قطعی‌های مکرر آن‌ها به شدت آسیب دیده‌اند، ضروری است نهادهای بین‌المللی از توسعه، پشتیبانی و توزیع گسترده‌ی ابزارهای امن و رایگان برای کاربران ایرانی حمایت کنند تا تبعیض ناشی از «شکاف دیجیتال طبقاتی» کاهش یابد.

### ۲. حمایت ایمن از راهکارهای جایگزین اینترنت (مانند استارلینک) با در نظر گرفتن الزامات امنیتی:

داده‌ها نشان می‌دهد مردم به اینترنت ماهواره‌ای به چشم یک راهکار قطعی نگاه می‌کنند، اما مانع اصلی فراگیری آن، هزینه بسیار بالای تجهیزات و شارژ ماهانه و از آن مهم‌تر، ترس شدید از برخوردهای امنیتی، دستگیری و ردیابی است. سازمان‌های حقوق دیجیتال باید ضمن رایزنی برای تسهیل دسترسی اقتصادی به این تجهیزات، آموزش‌های لازم و پروتکل‌های امنیتی برای پنهان‌سازی و حفظ امنیت جانی کاربران در برابر ردیابی‌ها را در اولویت قرار دهند.

### ۳. مستندسازی و راه‌اندازی کارزار بین‌المللی علیه آپارتاید دیجیتال (اینترنت طبقاتی):

از آنجا که مصاحبه‌شوندگان، اینترنت طبقاتی را نوعی «رانت» و «تبعیض و ظلم» می‌دانند و به شدت از اجرای آن خشمگین هستند، نهادهای حقوق بشری باید این سیاست را به عنوان یک نقض آشکار و سیستماتیک حقوق بشر (تبعیض در حق دسترسی به جریان آزاد اطلاعات) در مجامع بین‌المللی مستند کرده و برای توقف آن فشارهای حقوقی و مدنی وارد کنند.

#### ۴. آگاهی بخشی درباره نقض حریم خصوصی و امنیت در پلتفرم‌های داخلی:

مصاحبه‌شوندگان به شدت از نبود امنیت، امکان رصد شدن پیام‌ها، و اجبار به استفاده از اپلیکیشن‌های داخلی احساس ناامنی و تحقیر می‌کنند. سازمان‌های مدنی باید با بررسی‌های مستقل فنی، سطح ناامنی این پلتفرم‌ها را مستندسازی کرده و آموزش‌های حیاتی برای مقابله با نظارت دیجیتال و حفظ حریم خصوصی را برای کاربران داخل ایران فراهم کنند.

#### پیوست: فهرست کامل مصاحبه‌شوندگان

در زیر اطلاعات جمعیت‌شناختی هر یک از مصاحبه‌شوندگان ارائه شده است. به منظور حفظ ناشناس بودن از اسامی مستعار استفاده شده است.